

سریال «حشاشین» که توسط مصر ساخته شده و ماه رمضان در کشورهای عربی بسیار مورد توجه قرار گرفت اشتباهات تاریخی قابل توجهی دارد

آدرس غلط ریشه خشونت

می‌دانیم که سریال‌های رمضان‌های تمام کشورهای عربی مهم‌ترین و معروف‌ترین آثار نمایشی به حساب می‌آیند و در میان تمام ممالک عرب زبان، سوریه و مصر به عنوان تولیدکنندگان برترین و محبوب‌ترین درام‌های رمضان‌های مطرح هستند. بستر اصلی پخش این سریال‌ها در تلویزیون کابلی یا استریم‌ها نیست و به عبارتی تمام آنها به صورت رایگان در اختیار مخاطبان قرار دارند؛ چه اینکه درآمدزایی تولیدکنندگان شان از طریق فروش تبلیغات است، نه فروش خود محصول به مخاطبان. واضح است که در چنین شرایطی این مجموعه‌های تلویزیونی می‌توانند مخاطبانی بسیار انبوه و عام داشته باشند و همین قضیه باعث می‌شود که سوای از سرگرمی، بشود به این مجموعه‌ها به عنوان ابزار سیاسی هم نگاه کرد. امسال سریال «حشاشین» که در مورد گروهی از اعضای مذهب اسماعیلیه در قرن یازدهم هجری است و تلویزیون دولتی مصر آن را تولید کرده، در صدر توجهات قرار گرفته است. این سریال توسط عبدالرحیم کمال نوشته شده و پیتر میچی آن را کارگردانی کرده است. فیلمبرداری مجموعه دو سال

به طول انجامید و قرار بود در ماه مبارک رمضان سال گذشته نمایش داده شود که به دلیل طولانی شدن فیلمبرداری اش، نمایش آن تا امسال به تعویق افتاد. از آنجایی که اعضای فرقه اسماعیلیه در قلعه و دور از نظر باقی مردم زندگی می‌کردند، افسانه‌سرایی‌ها در موردشان بسیار پرده‌مانه شد و دشمنان پرشمار اسماعیلیون هم در دامن زدن به این جعلیات نقش پررنگی ایفا کردند. حالاً ما قرن‌ها پس از برپیده شدن بساط این گروه، توجه مجدد به تاریخچه آن و تولید سریالی به این بزرگی درباره‌اش که دو سال ساخت آن به طول انجامید و از قزاقستان در آسیای میانه تا مالت در غربی‌ترین نقطه آفریقا لوکیشن‌های متعددی داشت، چه لزومی دارد؟ آیا تنها در این زنده شدن مجدد این بحث در قالب یک سریال تلویزیونی، سرگرم‌کننده بودن آن است؟ و عربی می‌نویسد بلافاصله پس از شروع پخش این سریال، بحث آن در فضای مجازی در صدر ترندها قرار گرفت و بازوان سایبری گروه اخوان المسلمین به آن واکنش نشان دادند. مساله حاکمیت مصر با تولید اصلی این است که

این مجموعه سعی داشته هم گروه اخوان المسلمین را بناوید و هم ریشه آن را به گروه‌های شیعی و ایرانی پیوند بدهد تا هم احساسات مذهبی اهل تسنن را با خود همراه کند و هم مایه‌های ناسیونالیستی شان را تحریک کرده باشد. پس از پخش سریال حشاشین که به سبب موضوع سیاسی اش بسیار جلب توجه کرده بود و از کیفیت فنی چندان بالایی برخوردار نیست، این گزاره در بسیاری از تحلیل‌ها مشهور شد که سریال حشاشین حسن البناء را به حسن صباح تشبیه کرده است. سامح اسماعیل، محقق در امور و پرونده‌های گروه‌های اسلام سیاسی، به العربیه و الحدیث می‌گوید: «رویکرد مشترک اساسی بین حشاشین و اخوان المسلمین، پایبندی به اصل وفاداری و دشمنی (الولاء والبراء) بود». این گفته‌ها به وضوح تایید می‌کنند که در پس ساخت سریالی را چه به گروه اسماعیلیون، هجمه دولت مصر به اخوان المسلمین وجود دارد اما نکته‌ای که کار را زیر سوال می‌برد، ارتباطی است که بین اخوانیون و اسماعیلیون برقرار شده و به علاوه جعلیات هدفمند و پرشماری که

در روایت تاریخی این مجموعه وجود دارند. از سوی جهان عرب هم این سریال مورد انتقادهای متعددی قرار گرفته است، از جمله استفاده از گویش محاوره‌ای مصر به جای زبان کلاسیک یا همان عربی فصیح و عدم دقت در روایت تاریخی. همچنین کارگردان سریال را در قسمت سوم متهم به کپی‌برداری از یک صحنه کامل از فیلم «مسیح» در دهه ۷۰ کردند که این نوع مشابهت‌یابی‌ها و کشف ایراد‌های واضح فنی، همچنان ادامه دارد. در ادامه به تشریح بعضی از مهم‌ترین جعلیات تاریخی این مجموعه تلویزیونی پرداخته شده که بسیاری شان جزء باورهای غلط رایج راجع به اسماعیلیون هم بوده‌اند و مطالعه آنها حتی برای کسانی که سریال حشاشین را ندیده‌اند ولی این موارد به گوش شان خورده است، می‌تواند مفید باشد. در بخش دیگر از پرونده پیش‌رو درباره کیفیت فنی مجموعه بحث شده است و توضیح داده می‌شود که سازندگان این سریال، انتقال یک سری پیام‌های سیاسی را اولویت قرار داده‌اند و کیفیت فنی و هنری کار قربانی همین اولویت بندی شده است.



روزگار

شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳
شماره ۴۱۱۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

درباره سریال «حشاشین» و اهداف سیاسی دولت مصر از تولید آن

حشاشین، اخوان المسلمین، سیسی و دیگران

ایمان عظیمی
خبرنگار

مهم نیست که سریال «حشاشین» با تصور و تلقی ما از حسن صباح انطباق دارد یا خیر؛ و همچنین قلب تاریخ توسط سازندگان این مجموعه نیز چندان اهمیتی نخواهد داشت وقتی آنها با استفاده از پیام‌های سیاسی واضح، تنها به اثرگذاری اندیشه خود بر روی ذهن بیننده تأکید می‌کنند. سریال حشاشین فارغ از ساختار روایی آن یا حتی بازنمایی پدیده‌ای به اسم حسن صباح یک ساختمان سروشکل دار ایدئولوژیک است که مصری‌ها از آن به عنوان سلاحی ایدئولوژیک بهره می‌برند تا در این دوران دست‌شان در برابر دیگر قرائت‌های موجود راجع به حکومت اسلامی بیش از این خالی نماند.

مجموعه تلویزیونی حشاشین قرار است موجودیت حسن صباح و یارانش از ابتدای شکل‌گیری این حلقه تا انتهای داستان را روایت کند ولی کاری که انجام نمی‌دهد همین روایت کردن قصه در قالب مدیومی همچون تلویزیون است. به عبارت دیگر روابط علت و معلولی در راه پیشبرد قصه چندان محلی از اعراب نداشته و کاراکترها نیز از پرداخت درستی برخوردار نیستند. حتی دسیسه چینی و قیام حسن صباح علیه سلجوقیان نیز قرار نیست به صورت عینی در مخاطب حسی نسبت به این مرد، (مثبت یا منفی)، به وجود بیاورد؛ چون حشاشین برای فیلمساز بدل به مساله نشده؛ حسن صباح و یارانش برای مخاطب نه همدلی برانگیز و سمپاتیک می‌شوند و نه می‌توانند حسی از نفرت را برای بیننده پدید بیاورند.

ساختمان بصری حشاشین آستن‌رنگ و لعاب است ولی این رنگ‌های فریبنده تنها می‌توانند برای چند ثانیه بیننده را مفتون و شیدای خود کنند و کارکرد دیگری ندارند. رنگ در مدیومی نظیر سینما و تلویزیون این توانایی را دارد که به ساخت تنش‌های درونی و بیرونی کاراکترها

دامن بزند و حتی ضعف‌های موجود در فیلمنامه را از دید مخاطبان آگاه پنهان نگه دارد؛ ولی در اینجا نه تنها این اتفاق رقم نخورده، بلکه عملاً به یک با م و دوهوایی سریال منتهج شده و آگرایی تصویر از متن را رقم زده است. ما در این سریال با تصاویر شارب، جذاب و خوش‌زنگی روبه‌رو هستیم ولی اگر سازندگان حشاشین برسیم که چرا یک درصد از زحماتی که در رابطه با ساختمان زیبای اثرشان به خرج داده‌اند را در مورد متن فیلمنامه و پرداخت داستان جذاب حشاشین و حضور آنها در دل تاریخ به کار نبسته‌اند شاید جوابی برای این سوال نداشته باشند. سریال در نور فراوان و رنگ‌های گرم غوطه‌ور است و تنها ابزارش برای بازنمایی یک تاریخ جعلی و برساخت شده به همین موارد منتهی می‌شود. برای تحلیل سریال حشاشین لازم نیست تا به دنبال منطق دراماتیک در ساخت پیرنگ بگردیم چون برای سازندگان این مجموعه، پیامی که به ذهن مخاطبان مسلمان و به‌ویژه ایرانیان صادر می‌شود بیش از ساخت سینمایی و توجه به جزئیات اثر اهمیت دارد. در واقع حشاشین سریالی است که جزئیات در آن فدای پیام سیاسی می‌شود که ریشه تفکر تشعری و فرقه‌گرایی را به هر شخص و دسته غیر از دسته مورد نظر ربط می‌دهد و برای اروج ترهات خود به دل تاریخ می‌زند و از آن میوه مورد نظرش را می‌چیند. هرچند حشاشین کیفیت ساخت پایینی دارد ولی تمام توجه خود را به رسانه معطوف می‌کند و از آن به عنوان ابزار جنگ نرم بهره می‌گیرد تا به این واسطه با یک تیر چند نشان از هدف قرار دهد. اول اینکه سعی دارد ریشه تشکیلات مخوف ترور در مصر سکولار شده امروزی به دست اخوان المسلمین را به قیام حسن صباح علیه خلافت عباسی و سلجوقیان ربط دهد و در ادامه با بنیان‌کن دانشن تفکر ایرانیان نسبت به حکومت عباسی و برافراشتن پرچم تشیع، ریشه انحطاط امت اسلامی را به این تفکر الصاق می‌کند. تلویزیون مصر که پیش‌تر هم دست به ساخت سریال‌های تاریخی و مذهبی برای جعل واقعیت زده بود در تغییر رویکردی واضح، اسلام

سیاسی اخوانی را با شیعیان اسماعیلی هم‌سرنوشت می‌کند و با ابزار رسانه سعی در منکوب کردن آنها در پیشگاه افکار عمومی مصر دارد. طرح دولت سیسی در جنگ نیم رسانه‌ای هوشمندانه به نظر می‌رسد ولی همه چیز به داشتن یک طرح هوشمندانه ختم نمی‌شود و این زیرکی را باید در عمل نیز مورد رصد و بهره‌برداری قرار داد. آدرس غلط دادن در عالم سینما و تلویزیون نمی‌تواند ایرادی داشته باشد چون افراد آگاه، به زوایای آن آشنا هستند و جعل و قلب تاریخ توسط دیگری را گوشزد می‌کنند، اما اگر سازنده به ابزار کار خود، همچون دست‌اندرکاران سریال حشاشین واقف نباشد، اثری یک بار مصرف و فراموش‌شدنی تحویل جامعه آماری خود می‌دهد.

دولت سیسی برای رقابت‌های منطقه‌ای اش به شکلی هدفمند از تاریخ سود می‌برد و در درون مرزها نیز برای ناک‌اوت کردن جریان اخوان المسلمین از هیچ تلاش اخلاقی و غیراخلاقی درنمی‌ماند ولی چون صنعت سریال‌سازی در کشورهای عربی، به خصوص در مصر به‌گونه‌ای است که بر کمیت بیشتر از کیفیت تأکید می‌شود، نمی‌تواند به جای مطلوبی که دوست دارد تکیه بزند و از میدان جنگ نرم پیروز و سربلند بیرون بیاید. حشاشین در ترسیم رادیکالیسم اخوانی موفق نیست چون اساساً به سوره نزدیک نشده و آن را حیف و میل می‌کند و بدون اینکه بخواهد، مخاطب خود را از راه نزدیک شدن به منابع تاریخی به پیگیری واقعه فرامی‌خواند. از این رو، فیلم سینمایی «توطئه در قاهره» به‌کارگردانی طارق صالح در بازنمایی فضای سیاسی مصر، با تمام ضعف‌های موجود بهتر از این سریال عمل می‌کند و تاریخ را نیز گواه نمی‌گذرد.

و خاص دژها برای دفاع در مقابل امپراتوری سلجوقی و همچنین سهولت کار برای ترویج مذهب اسماعیلیه از آنها بهره‌برداری کند. پس از درگذشت المستنصر بالله، خلیفه فاطمی در ۴۸۷ هجری قمری در قاهره و بروز اختلاف بر سر جانشینی او حسن صباح از نزار فرزند ارشد امام پیشین حمایت کرد. جانشین المستنصر بالله بنابر حکم آشکار خود او پسر بزرگش، نزار بود. اما امیر سپاه مصر که به مستعلی، پسر دیگر خلیفه ارادت داشت او را به خلافت نشانند و امام مخصوص خواند. با به قتل رسیدن نزار توسط برادر کوچک‌ترش، حسن صباح به عنوان حجت امام،

رهبری نزاریان در آسیای مرکزی، ایران، عراق و شام را برعهده گرفت و ارتباط خود را با خلافت فاطمی به‌طور کامل قطع کرد. او حکومت اسماعیلیه الموت را بنا نهاد و غیر از قطع رابطه با خلافت فاطمیون مصر، با سلجوقیان که تحت الحمایه و حامی خلفای عباسی بودند هم سر به ستیزه برداشت. حسن صباح با طبقه بندی زمین‌ها و تعلق گرفتن بخشی از آنها به افراد نظامی در قبال کارهایی که انجام داده‌اند بسیار مخالف بود و درگیری‌هایی با ملک‌شاه، برکیارق، سنجر و محمد طبر داشت. در دوره او خواجه نظام‌الملک جان خود را بر سر ستیز و تعصب ورزی علیه اسماعیلیه گذاشت.

کوتاه درباره حسن صباح

حسن بن علی بن جعفر صباح حمیری متولد سال ۴۴۵ هجری قمری و متوفی در ۲۶ ربیع‌الثانی ۵۱۸، معروف به حسن صباح، پیشوای اسماعیلیون نزاری بود. نزاری به شاخه‌ای از مذهب اسماعیلی و پرجمعیت‌ترین گروه از این مذهب است. حسن صباح در یک خانواده شیعه دوازده‌امامی در قم متولد شد. پدرش از اهالی کوفه بود، اما نسبش به حمیری یمنی می‌رسید. حسن در ری به‌عنوان شیعه دوازده‌امامی تعلیم دید، اما پس از آشنایی با امیره ضراب و ابونصر سراج به مذهب اسماعیلی گروید و مورد توجه عبدالملک بن عطاش، داعی بزرگ عراق عجم قرار گرفت. او تا پیش از ۳۰

ادامه در صفحه ۱۳

۱۲